

Challenges of Iranian Criminal Law in Addressing Violence Against Women

1. Toba Keramati: PhD Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
2. Esmail Rahiminejad*: Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: rahiminejad@tabrizu.ac.ir (Corresponding Author)
3. Fatemeh Golabi: Professor, Sociology and Social Groups, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
4. Reza Faani: Assistant Professor, Department of Law, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran
5. Dadyar Hadi: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ABSTRACT

Violence against women refers to behavior that, due to gender, causes harm or damage to their body, mind, personality, dignity, or results in restrictions and deprivation of their legal rights and freedoms. Under the framework of international documents addressing violence against women, most countries worldwide have considered or criminalized various forms of violence. Iranian criminal policy also aims to protect women against violence; however, the existing general laws face challenges and shortcomings, such as forced marriage, domestic violence, and honor killings. Using a descriptive-analytical method, this article examines various forms of violence, the legislator's perspective, and the challenges and gaps in Iran's criminal policy regarding violence against women. The article argues that repressive policies, even with an emphasis on prevention and deterrence, cannot eradicate this issue from society. Instead, cultural transformation through mindset changes, institutionalizing human discourse, and empowering women—alongside comprehensive legislation with effective enforcement guarantees—is necessary. The approval of the bill titled “*Prevention of Harm to Women and Enhancement of Their Security Against Abuse*” is considered a remedy for the existing deficiencies.

Keywords: *Violence against women, criminal policy, legal challenges, women's security*

How to cite: Keramati, T., Rahiminejad, E., Golabi, F., Faani, R., & Hadi, D. (2025). Challenges of Iranian Criminal Law in Addressing Violence Against Women. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 16-30.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 January 2025
Revise Date: 19 February 2025
Accept Date: 08 March 2025
Publish Date: 24 March 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

چالش‌های حقوق کیفری ایران در قبال خشونت علیه زنان

۱. طوبی کرامتی: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. اسمعیل رحیمی نژاد*: دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. پست الکترونیک: rahiminejad@tabrizu.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. فاطمه گلابی: استاد، جامعه‌شناسی و گروه‌های اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۴. رضا فانی: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
۵. دادیار هادی: استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

خشونت علیه زنان رفتاری است که به سبب جنسیت، موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم، روان، شخصیت، حیثیت یا محدودیت و محرومیت از حقوق و آزادی‌های قانونی آنان می‌گردد. در پرتو اسناد بین‌المللی مقابله با خشونت علیه زنان، در قوانین اکثر کشورهای دنیا انواع خشونت مورد توجه یا جرم‌انگاری شده است. رویکرد سیاست جنایی ایران نیز حمایت از زنان در برابر خشونت بوده ولی قوانین عام موجود با چالش‌ها و کاستی‌هایی مانند ازدواج اجباری، همسرآزاری، قتل ناموسی مواجه است. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی انواع خشونت و دیدگاه قانونگذار، چالش‌ها و خلاءهای سیاست کیفری ایران در قبال خشونت علیه زنان را بررسی و بیان می‌کند، سیاست سرکوب حتی با تأکید بر پیشگیری و بازدارندگی آن نمی‌تواند این معضل را از جامعه بزدايد؛ بلکه فرهنگ‌سازی با تغییر ذهنیت و نهادینه کردن گفت‌وگو انسانی و توانمندسازی زنان توأم با قانونی‌جامع دارای ضمانت اجرای مؤثر، لازم می‌باشد و تصویب لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» رافع نواقص موجود تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، سیاست جنایی، چالش‌های قانونی، امنیت زنان

نحوه استناددهی: کرامتی، طوبی، رحیمی نژاد، اسمعیل، گلابی، فاطمه، فانی، رضا، و هادی، دادیار. (۱۴۰۴). چالش‌های حقوق کیفری ایران در قبال خشونت علیه زنان. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، (۱۷)، ۳۰-۱۶.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۸ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۴ فروردین ۱۴۰۴



خشونت علیه زنان، یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر است که توجه و حساسیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را به خود معطوف داشته و باعث شده اسناد متعددی در راستای ممنوعیت انواع خشونت بر زنان به تصویب برسد. در قوانین داخلی ایران نیز حمایت‌های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگویی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر علیه زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست. خشونت مصادیق متعدد دارد و شامل خشونت علیه تمامیت جسمی، خشونت اخلاقی، خشونت خانوادگی، خشونت جنسی، تبعیض، ازدواج اجباری، کوچ اجباری و غیره می‌شود و در همه جوامع انسانی شاهد یک یا چند نوع خشونت علیه زنان هستیم. با آنکه راهکارهای مختلفی برای منع خشونت پیشنهاد و بکار بسته شده است، اما هنوز خشونت علیه زنان وجود داشته و دارد. اولین حلقه‌های خشونت درون خانواده شکل می‌گیرد، جایی که مرد علیه زن اعمال خشونت می‌کند، مادر علیه فرزند و فرزند بزرگ با الگوبرداری از چرخه معیوب، علیه فرزندان کوچکتر. تعریف و مصادیق خشونت علیه زنان اگرچه در کشورهای جهان با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و قوانین حاکم متفاوت است، اما ماهیت و نفس رفتار خشونت‌آمیز با زنان و آسیب‌پذیری آنان تا حد زیادی در همه جوامع مشابه است. گزارش سازمان بهداشت جهانی حاکی از آن است که یک سوم زنان جهان مورد سوء استفاده فیزیکی یا جنسی قرار می‌گیرند و در بیانیه این سازمان در سال ۲۰۰۸ آمده: خشونت‌های خانگی در کشورهای صنعتی تا ۲۰ درصد در کشورهای جهان سوم و آمریکای لاتین تا ۷۰ درصد وجود دارد.

مفهوم شناسی خشونت

خشونت در لغت به معنی زبری، درشتی، تندی، پرخاشگری و سختگیری می‌باشد (Dehkhoda, 1998) و در فارسی معادل «پرخاشگری و سختگیری» است. براین اساس، هرگونه رفتار یا گفتاری که متضمن سخت‌خویی، توهین و غضب باشد، به معنای خشونت است.

الف- تعریف خشونت

خشونت مفهومی نسبی است و از دیدگاه جرم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی تعاریف گوناگونی دارد. اگرچه «خشونت» اصولاً مورد انزجار و منفور طبع عادی بشری است ولی در تعریف آن، اتفاق نظر وجود ندارد. (یکه کار و حسینی، ۱۳۹۷: ۵۶) گاه به سوء استفاده از قدرت، خشونت گفته شده است. بعضی استفاده از «زور» را خشونت می‌گویند و «هرگونه تهاجم فیزیکی بر هستی انسان که با انگیزه وارد آوردن آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه باشد» (Najafi Kashkoli, 2021) و نقادان این تعریف گفته‌اند: «درست است که لازمه هر خشونت، توسل به زور و جبر است اما هر زور و قدرتی را نمی‌توان خشونت نامید. به عبارت دیگر «زور»، قدرت بی‌طرفی است که می‌تواند برای وصول به هر هدفی مورد استفاده قرار گیرد در حالی که خشونت، فقط قواعد و مقررات مورد قبول جامعه را طرف حمله قرار می‌دهد» (Sheikh Bahai et al., 2021).

لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۳۹۹) در ماده ۳، اصطلاح زن را شامل «تمامی زنان و دختران تبعه ایران در داخل یا خارج و زنان و دختران غیر ایرانی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران حضور یا سکونت داشته باشد»، می‌داند و در ماده ۴، خشونت علیه زنان را چنین تعریف می‌کند: «هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعلی که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا هر نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم، روان، شخصیت، حیثیت یا محدودیت و یا محرومیت از حقوق و آزادی‌های قانونی وی گردد».

ب- مفهوم حقوقی خشونت

خشونت در مفهوم حقوقی یعنی مجازات (Najafi Kashkoli, 2021) و طبق تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ «هر عمل خشونت آمیز نسبت به جنس مؤنث و هر فعلی که منجر به ضرر نسبت به زنان یا دردهای جسمانی، جنسی، روانی منجر شود و همچنین تهدید به چنین فعالی، خشونت علیه زنان محسوب می‌شود». از مصادیق خشونت علیه زنان محروم سازی خودسرانه زنان از مشارکت در فضای عمومی و خصوصی، ناقص سازی جنسی و دیگر سنتهای مضر برای زنان، آزار و ارباب جنسی در خانه و محل کار و قاچاق زنان است (Rahmati Far, 2022).

کمیسیون مقام زن سازمان ملل (۱۹۴۶م)، در دسامبر ۱۹۹۲ یک گروه اجرایی میان دوره‌ای را برای تهیه پیشنهادی اعلامیه رفع خشونت علیه زنان دعوت نمود. گروه مذکور به اتفاق آراء متن پیش نویس اعلامیه را مورد تصویب قرار داده و مجمع عمومی نیز طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ در دسامبر ۱۹۹۳ آن را تصویب نمود. اعلامیه فوق الذکر دارای یک مقدمه و شش ماده است و می‌توان آن را نخستین سند بین‌المللی که به طور خاص به خشونت علیه زنان پرداخته است، دانست (Ranjbaran & Dabirzadeh, 2011). این اعلامیه، صرفاً خشونت بر زنان را تقبیح نمی‌کند بلکه راهکارهای قانونی، حمایتی و آموزشی به منظور مبارزه با همه اشکال خشونت نسبت به زنان را توصیه می‌کند و از همه دول عضو می‌خواهد با تصویب قوانین مناسب به مبارزه با خشونت علیه زنان اقدام کنند. در سالهای بعد نیز کنفرانس و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در جهت منع خشونت علیه زنان تشکیل و تصویب شده است از جمله کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب (۱۹۷۹م)، کنفرانس جهانی زن پکن (۱۹۹۵م)، نهاد «زنان ملل متحد» (۲۰۱۰م)، کنوانسیون ۲۰۱۱ شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد. دلیل مهمی که هنوز هم شاهد خشونت علیه زنان هستیم، فقدان ضمانت اجرای کافی این اسناد بین‌المللی و نگرشهای متفاوت سنتی و مذهبی دولت‌ها و تبعیض علیه زنان است.

ج- دلایل اعمال خشونت

با توجه به اینکه هر کس از پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خاص خود به خشونت نگرسته و عرصه ویژه‌ای از خشونت را در نظر داشته است لذا در باره علل و انگیزه خشونت وحدت نظر وجود ندارد. زنان در مراحل مختلف زندگی خود از جنینی (سقط بیشتر جنین مؤنث)، نوزادی (کم توجهی به تغذیه و رشد)، کودکی (سوءتغذیه، ناقص سازی جنسی/ختنه)، دوران بلوغ (فحشای اجباری، قاچاق، ازدواج اجباری)، دوران باروری (قتل ناموسی، قاچاق و بهره کشی جنسی، فمیساید و پیری (تبعات بیوگی) در معرض خشونت قرار دارند (Rahmati Far, 2022).

در اندیشه جرم شناسان فمینیسم پست مدرن، آنچه مانع از دسترسی زنان به عدالت کیفری می‌شود ریشه در ذهنیت، گفتمان و قدرت مرد سالارانه‌ای دارد که کنترل نظام‌های زبانی را در نظام کیفری در دست داشته و موجب ایجاد احساس نابرابری در برابر قانون می‌شود. عبارتی مثلث قدرت، گفتمان و ذهنیت به رغم تحول و اصلاح قوانین نابرابر نسبت به زنان، در تداوم نابرابری جنسیتی به طور غیر ملموس اثر دارد و عوامل مؤثر بر شکاف میان قوانین موجود و اجرای آن (قانون در کتاب و در عمل) به تبعیض علیه زنان ختم می‌شود (Vahed et al., 2020).

عدم شناخت قوانین موضوعه در حوزه حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه آن‌ها یکی از مهمترین دلایل تضییع حقوق زنان است، به طوری که زنان بزه دیده نمی‌توانند از بین مجموعه پراکنده از قوانین معتبر و یا بی اعتبار، راکد و یا اجرایی و مرتبط یا بی ارتباط تشخیص دهد که

کدام یک از قوانین می‌تواند در احقاق حقوق وی در قبال انواع خشونت کاربرد داشته باشد و روند دادرسی را بر او هموار سازد و در این مسیر دچار خشونت ثانویه نشود.

د) انواع خشونت

گستره خشونت علیه زنان در سراسر جهان و از جمله ایران، علاوه بر خانواده، در خیابان و جامعه به انحاء مختلف وجود دارد. خشونت را می‌توان: از نظر شکل بروز به انواع آشکار، پنهان و نمادین؛ از نظر سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت به انواع آگاهانه، ناآگاهانه و ناخواسته؛ از نظر کیفیت آسیب به خشونت روانی، خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم بندی نمود. همچنین از این نظر که خشونت علیه چه کسی اعمال می‌شود؛ به انواع متفاوت خشونت علیه زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و اقلیت‌های مختلف با توجه به نژاد، رنگ، قومیت، زبان و... تقسیم بندی شده است و برخی از رایج‌ترین تقسیم بندی خشونت علیه زنان عبارتند از:

۱) خشونت خانگی

خشونت خانگی که گاهی سوءاستفاده خانگی یا خشونت از سوی شریک زندگی نیز خوانده می‌شود، به هرگونه رفتاری اطلاق می‌شود که برای به دست آوردن یا حفظ قدرت و تسلط علیه شریک زندگی اعمال می‌شود. این تعریف، شامل کلیه اعمال جسمی، جنسی، احساسی، اقتصادی، روانی و یا تهدید به انجام آن اعمال است که شخص دیگری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. خشونت خانگی رایج‌ترین نوع خشونت است که زنان در سطح جهان آن را تجربه می‌کنند. از مصادیق خشونت خانگی می‌توان به این قبیل رفتارها نیز اشاره کرد: از بعد روانی: عکس العمل شدید در صورت مخالفت همسر، سکوت جهت آزار دادن، محول کردن کلیه امورات فرزندان به خانم، توقع از زنان برای ارضای مردان در هر زمان، عدم درک نیازهای غریزی زن در روابط جنسی؛ از بعد اقتصادی: ولخرجی کردن در خارج از منزل، جلوگیری کردن مردان از مشارکت زنان در تصمیمات اقتصادی، ممانعت از استقلال مالی زنان؛ از بعد فیزیکی: هل دادن و پرت کردن، لگد و مشت زدن، پیچاندن دست و کشیدن مو و... که در همه این نوع خشونت‌ها، می‌توان شاهد خشونت کلامی نیز بود (Mahmoudi & Majidi, 2022).

۲) خشونت جسمانی

یکی از اشکال خشونت بر اساس نتیجه آن، «خشونت جسمی است که شامل اعمالی نظیر ضرب و جرح، قطع اندام جنسی، هل دادن، کتک زدن، سیلی زدن، قتل و پرتاب کردن اشیاء است. خشونت‌هایی که نتایج آن به صورت شکستگی، پارگی، عدم توانایی در وضع حمل، سقط جنین و گاهی مرگ مشخص می‌شود. این گونه خشونت‌ها، ممکن است از جانب همسر، پدر، برادر یا خویشاوندان ذکور او یا از سوی مردان اجتماع ارتکاب یابد.» (Najafi Kashkoli, 2021).

در قوانین مبارزه با خشونت و تعاریف نهادهای بین‌المللی، مصادیق خشونت خانگی و جسمانی علیه زنان، متفاوت از دیگر تعرضات جسمانی است؛ برای مثال سازمان بهداشت جهانی «کوبیدن، لگد و سیلی زدن، هل دادن و پرتاب کردن اشیاء» را رفتار خشن علیه زن تلقی می‌کند؛ در حالی که اینها در مناسبات اجتماعی الزاماً مجرمانه نیستند. در ایران قانون از افراد صرف نظر از جنسیت بزه دیده، در برابر خشونت جسمی، با جرم انگاری ضرب و جرح و با مجازات قصاص عضو، دیه و ارش و از زنان حامله در برابر خشونت جسمی منجر به سقط جنین حمایت می‌کند. به این ترتیب حمایت از زنان در برابر آن دسته از تعرضات جسمانی که اثر برجای نمی‌گذارد و همراه با جراحت نیست، دشوار است هر چند طبق ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی ضرب بدون ایجاد اثر، نیز مجازات دارد.

۳) خشونت روانی

هرگونه رفتار و گفتار خشونت آمیزی که شخصیت بزه دیده را خدشه دار کند، خشونت روانی است اگرچه به تناسب آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه متفاوت می‌باشد. در تعریف خشونت روانی آمده است: «هر نوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه نماید (همسر آزاری) و مصادیق آن عبارتند از: انتقاد ناروا و مداوم، اهانت، تمسخر، توهین، فحاشی تهدید به ازدواج مجدد می‌باشد» (Najafi Kashkoli, 2021). از دیگر مصادیق خشونت روانی، بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی، منت گذاری، قهر طولانی مدت و سکوت، تهمت، سختگیری و بدگمانی، بی‌مهری، منع از اشتغال و ایجاد محدودیتهای نامتعارف مثل منع زن از معاشرت با اقارب می‌باشد. سازمان بهداشت جهانی «بی‌اعتنایی، تهدید، تحقیر و تخفیف» را از جمله خشونت روانی علیه زنان می‌داند؛ در حقوق ایران این قبیل اعمال به استثنای تهدید، جرم نیست. قانون مجازات اسلامی از افراد صرف نظر از جنیست، در برابر خشونت روانی در قالب قذف و توهین حمایت کرده و قواعد مسئولیت مدنی و اصل جبران خسارت هم برقرار است. اما قوانین ایران برای مقابله با رفتارهایی مانند تحقیر یا تهدید زن: به طلاق، سلب حضانت فرزندان، خودداری از برقراری رابطه جنسی و نیز به کاربردن الفاظی که عرفاً ناسزا محسوب نمی‌شود ولی در یک رابطه صمیمانه آزاردهنده است، کارآیی ندارد.

۴) خشونت جنسی

خشونت جنسی به هر نوع رفتار خشن جنسی یک فرد نسبت به دیگری علی‌رغم مخالفت طرف دیگر اطلاق می‌شود (Najafi Kashkoli, 2021). منظور آمیزش اجباری و برقراری هر رابطه جنسی، بدون رضایت زن است.

خشونت جنسی علیه زنان مصادیق متعددی دارد؛ هرگونه نگاه شهوت آمیز به زنان، تماس بدنی عمدی، تظاهر به انجام اعمال جنسی در حضور زن، آدم ربایی به منظور تجاوز و انجام اعمال منافی عفت، راه اندازی مراکز فحشا، قاچاق زنان، هر نوع بهره برداری تجاری از زنان از قبیل تهیه عکس و فیلم وانتشار آن از طریق رسانه ها، مونتاژ عکس و انتشار آن، حمایت از فاحشگی و تسهیل آن، زنا با محارم، اجبار به رابطه جنسی در زمان عادت ماهیانه و بیماری، از مصادیق خشونت جنسی است. در نهایت می‌توان شدیدترین نوع رفتار مجرمانه که متضمن خشونت جنسی است را تجاوز و زنا به عنف دانست (Abolhasani & Bahemeh-i, 2022).

در نظام حقوقی ایران مقابله با خشونت جنسی در بستر رابطه مشروع زناشویی، موضوع نص قانون نیست؛ البته خشونت در قالب اجبار زن به برقراری رابطه با غیر زوج ممنوع است و حتی می‌تواند عنصر مادی حد قوادی را تشکیل دهد یا هیچ دلیلی وجود ندارد که قواعد عام دیه و ارش در مورد خشونت جنسی در بستر زناشویی قابل اعمال نباشد مانند ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی که فضای همسر بالغ و به سببی غیر از مقاربت و همسر نابالغ به سبب مقاربت را موجب ضمان می‌داند.

در مورد خشونت در قالب ترک فعل، نهاد تمکین و نشوز حداقل به تصریح قانون، تنها در مورد زن مصداق دارد و خودداری مرد از برقراری رابطه جنسی با همسر فاقد عنوان مستقل حقوقی است، اگرچه با لحاظ انشای تمثیلی ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی می‌تواند مصداق عسر و حرج باشد. به علاوه تمکین یکی از وظایف زوجه است. طبق نظر غالب حقوقدانان و نیز با لحاظ رویه قضایی کشور، تمکین به معنای «آمادگی زن برای پذیرش خواسته‌های جنسی مرد» است و تنها در این صورت زن مستحق دریافت نفقه می‌شود. پس قانونگذار تلویحاً مصادیقی از خشونت جنسی در رابطه زوجیت را منتفی و نامسموع تلقی کرده است (Rahmati Far, 2022).

۵) خشونت اقتصادی

این نوع خشونت در تحقیقات علمی امروزین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خشونت، منجر به آسیب اقتصادی بر زنان می‌شود مانند آسیب به داراییها و اعمال محدودیت در دسترسی فرد بر منابع مالی، تحصیل و بازارهای کار، خدمات و مراقبتهای بهداشتی، انجام ندادن مسئولیتهای مالی و غیره (Vatani et al., 2023). حمایت‌های قانونی از زنان در حوزه اقتصادی شامل حق نفقه، مهریه، اجرت المثل، حق مالکیت، حق دسترسی به منابع و فرصتهای اقتصادی و نظایر آن است.

در ایران محرومیت زن از دسترسی به فرصت شغلی خشونت تلقی نمی‌شود و ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی این حق را به مرد می‌دهد که زن را از اشتغال به کار منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن منع کند. در مورد محرومیت از اموال و دارایی، مالکیت خصوصی (اعم از اختصاصی و مشاعی) محترم است ولی نظام مالکیت اشتراکی که از جمله در مورد اموال خانواده به کار می‌رود، به رسمیت شناخته نشده است؛ به علاوه قانون با سوءاستفاده مرد از مناسبات خانوادگی برای اعمال سلطه بر درآمد و اموال زن مقابله نمی‌کند و به عبارت دیگر به شرایط خاص مناسبات خانوادگی توجه نکرده است (Rahmati Far, 2022).

در حقوق ایران قواعد عام مانند قابل استرداد بودن مال یا چیزی که بدون مقروض بودن به دیگری داده می‌شود موضوع ماده ۲۶۵ قانون مدنی و عناوین مجرمانه‌ای مانند احراق و اتلاف و تخریب اموال، موضوع فصل ۲۵ قانون مجازات اسلامی وجود دارد که در خصوص اموال خانواده هم با طرح دعوی یا شکایت ذینفع قابل اعمال است؛ منتها فصل مشترک عنصر مادی این قبیل جرائم تعلق مال به دیگری است در حالی که در مناسبات خانوادگی حتی اگر اموال به لحاظ حقوقی تحت سلطه زوج باشد، آثار سوء تخریب و اتلاف آن متوجه همه اعضاء از جمله زوج می‌شود و قانون برای حمایت اقتصادی از زن در این مورد سازوکاری ندارد. بعلاوه اگر اموال و دارایی تحت سلطه زن باشد هم به دلیل تعذر تأمین ادله اثبات دعوا در فضای خصوصی، اعمال این مواد عملاً با چالش جدی مواجه می‌شود. مانند اعمال ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) که مقرر می‌دارد «در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که بر عهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از وی دریافت کند».

۶) خشونت فرهنگی

در جرم‌شناسی فرهنگی (شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی معاصر است) امنیت‌گرایی، ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در سیاست جنایی، ظهور خرده فرهنگ‌های جدید و سبک‌های جدید زندگی فردی و اجتماعی از مهمترین چالش‌ها محسوب می‌شود. بر اساس رویکرد حاکم بر جرم‌شناسی فرهنگی بیشتر جرایم ریشه در فرهنگ دارد (Raeijian Asli et al., 2023) و فایده‌آمدن بر چالش‌های موجود را در به رسمیت شناختن فرهنگ‌های مختلف و خرده فرهنگ‌ها در سیاست جنایی و اصلاح ساختار نظام عدالت کیفری بر مبنای آن و تعامل بیشتر با خرده فرهنگ‌ها غیر رسمی در فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌دانند.

بعضی از انواع خشونت خانگی تابع فرهنگ یک کشور یا بخش خاصی از آن است؛ مصادیق خشونت خانگی از جایی به جای دیگر متفاوت است و مقابله با آن مستلزم بومی‌سازی است. به این منظور دولت باید علاوه بر نگاه ملی، برنامه‌ها و ملاحظات فروملی و محلی نیز برای مقابله با خشونت خانگی داشته باشد (Rahmati Far, 2022)؛ از مصادیق خشونت‌های خانگی مبتنی بر فرهنگ در ایران، می‌توان به خون بس، ناقص‌سازی جنسی، قتل ناموسی و ناف برکردن اشاره کرد. در قوانین، مقررهای برای مبارزه با این قبیل اعمال به نظر نمی‌رسد. در مواد ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص قتل ناموسی اشاره شده است (Ostad Hashem, 2022).

سیاست جنایی ایران و خشونت علیه زنان

سیاست جنایی یا دانش‌شناسایی، تدوین و ارزیابی سیستم پاسخ دهی به جرم و انحراف و به تعریفی که دلماس- مارتی در کتاب نظام‌های بزرگ سیاست جنایی ارائه می‌کند: «مجموعه روش‌های است که هیأت اجتماع [دولت و مردم] با به کار بستن آنها، پاسخ به پدیده مجرمانه [بزه و انحراف] را سامان می‌بخشد». سیاست جنایی تقنینی ایران در جهت حمایت از زنان در مقابل انواع خشونت‌ها، قوانینی را وضع کرده است تا ضمن جرم‌انگاری رفتارهای خشن علیه زنان، از اعمال خشونت بر علیه این افراد پیشگیری به عمل آورد. به چند حوزه قانونی در جهت حمایت از زنان در مقابل هرگونه خشونت در ذیل می‌پردازیم:

۱- قانون مجازات اسلامی

قانونگذار کیفری ایران با جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خاص که زنان بیشتر از پیامد آن‌ها بزه دیده می‌شوند (مانند مواد ۶۱۹ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی)، به حمایت کیفری ویژه از زنان اقدام کرده و گاه با حمایت کیفری کمتر از زنان در برابر مهم‌ترین جرائم جسمی مانند: قتل، قطع عضو و ضرب و جرح (در مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۷۳ و ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، رویکرد تبعیض منفی و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رویکرد تبعیض مثبت را اتخاذ کرده است. در موارد بسیاری نیز قانونگذار همانند اصل بیستم قانون اساسی، به حمایت قانونی برابر از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی تصریح کرده و اصول برابری را رعایت کرده است. به موجب ماده ۶۲۱ ق.م.ا. مجازاتی برای ربودن افراد از جمله افراد کمتر از ۱۵ سال مقرر شده است. ماده ۶۱۹ ق.م.ا. با جرم‌انگاری مزاحمت خیابانی، بیان می‌کند: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مقنن در این ماده هم تعیین اعمال توهین آمیز و هم با تعیین حداکثر و حداقل مجازات، صدور حکم را در اختیار دادرس قرار داده است که البته دادرس طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ باید حداقل را تعیین مگر آنکه علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر را ذکر کند.

مقنن با کلی‌گویی در رابطه با «الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت» سعی در تسهیل انتساب بزه به بزهدار را داشته و با این کار سعی در ارباب‌افراد دارد که به خشونت علیه زنان اقدام می‌کنند. اما فرایند اثبات وقوع چنین جرایمی و نیاز به شهادت شهود و... از جمله موانعی است که می‌تواند مانع تحقق اهداف ماده ۶۱۹ باشد ولی از آنجایی که حکم این ماده، ماهیتی پیشگیرانه و اربابی و ضمانت‌اجرایی شدیدی دارد، می‌تواند گامی موثری در جهت کاهش انواع خشونت علیه زنان باشد. همچنین در ماده ۶۴۱ همین قانون، قانونگذار بدون مشخص کردن جنسیت بزه دیده مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد». در رابطه با این ماده برخی از حقوق‌دانان معتقدند که از آنجایی که بزه دیده چنین مزاحمت‌هایی اکثراً زنان و دختران هستند، لذا این ماده می‌تواند به عنوان ماده قانونی جهت مقابله از خشونت روانی علیه زنان و دختران قلمداد گردد (Najafi Kashkoli, 2021). مجازات این ماده به حکم تبصره ماده ۱۰۴ الحاقی ۱۳۹۹ به نصف تقلیل یافته است.

قانون الحاقی یک بند و یک تبصره به ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۷، نیز بیان می‌کند: «هرگونه استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی ممنوع است و مجازات در نظر گرفته شده، حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه است و در صورت استمرار این کار، مجازات این افراد تشدید و مجوز آن‌ها لغو خواهد شد.» حکم این

ماده رویکردی به مطبوعات و تبلیغات بصری دارد و قانونگذار با وضع این ماده در پی حفظ جایگاه و منزلت زن و دفاع از حقوق زنان در برابر هرگونه توهین، تحقیر یا سوء استفاده ابزاری می‌باشد (Mahmoudi & Majidi, 2022).

۲- قانون کار و تامین اجتماعی

قانون کار ایران، اصول برابری و تبعیض مثبت را به رسمیت شناخته و با رویکردی حمایتی و به شکل خاص به جرم انگاری و در پی آن کیفرگذاری در قلمرو حقوق کار کودکان و زنان مبادرت ورزیده است. اصول برابری را در ابعاد مختلف، از جمله در زمینه تعیین میزان مزد زنان کارگر در ماده ۳۸ مورد حمایت کیفری قرار داده و تفاوت در تعیین میزان مزد کارگران به دلیل ویژگی‌های نژادی، سنی، جنسیتی،... از سوی قانونگذار حقوق کار ایران جرم انگاری شده است (Mazhari, 2019). همچنین در مواد دیگر قانون کار از جمله ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۱۷۳، ۱۷۵ و ۱۷۶ واگذاری کارهای خطرناک، سخت و زیان آور اعم از زیان‌های جسمی و روانی را به زنان ممنوع کرده است. افزون بر شناسایی حقوق مادران شیرده، با رویکردی حمایتی (تبعیض مثبت) و به شکل ویژه به جرم انگاری و در پی آن کیفرگذاری در قلمرو حقوق کار کودکان و زنان مبادرت ورزیده تا کار این گروه از شهروندان زمینه وارد شدن آسیب‌های جسمی، روانی به آنان را فراهم نکند (Najafi Kashkoli, 2021).

در زمینه تامین اجتماعی هم، نگرش قانونگذار ایران گسترش شعار عدل، قسط و برابری و رفع هرگونه تبعیض براساس اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی بوده و دولت را ملزم به دخالت در اجرا و نظارت بر آن نموده است. قوانین تامین اجتماعی ایران به جهت کمبود منابع و افزایش جمعیت تحت پوشش هر چند نتوانسته منطبق با اهداف اولیه وضع این قانون و اصولی که حکومت اسلامی مشخص کرده است، حرکت نماید ولی تلاش انجام شده بیانگر اراده حکومت اسلامی در مسیر برقراری عدالت و مساوات و رعایت حقوق زنان در این حوزه می‌باشد.

۳- قوانین حمایت از زنان در برابر خشونت

قوانین جمهوری اسلامی در پرتو آموزه‌های دینی و اصول مترقی قانون اساسی و علیرغم پیشرو بودن در حفظ کرامت زن و حفظ امنیت روانی، جسمی و جنسی زن نسبت به جوامع دیگر، هنوز برخی اهداف مد نظر تحقق نیافته است. هر چند در قوانین مختلف به صورت پراکنده مقرراتی در این زمینه وجود دارد لکن تجمیع و انسجام آن‌ها در کنار جرم انگاری اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان در محیط‌های مختلف، ایجاب می‌کند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر تقویت و توسعه یابد (Khosravi et al., 2022). دولت ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ملحق نشده؛ سند ۲۰۳۰ نیز مقبول و مجری نیست و طبق گزارش سالانه سازمان ملل متحد در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران» هر سال ناقض حقوق بشر بویژه حقوق زنان محسوب می‌شود و لذا با تصویب «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «برنامه‌های پنج ساله ششم و هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» و... سعی کرده توجه ویژه‌ای به زنان داشته باشد و لویحی نیز برای مقابله و کاستن از میزان خشونت علیه زنان تدوین نماید:

الف- لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۳۹۹)

در این لایحه که با تدوین در پنج فصل و ۵۷ ماده به مجلس واصل و به کمیسیون اجتماعی ارجاع شد، تشکیل کارگروهی تحت عنوان کارگروه ملی حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، زیر مجموعه وزارت دادگستری با حضور نمایندگان بیش از ۲۰ دستگاه اجرایی کشور

با قید وظایف این کارگروه پیش بینی شده است. در ماده ۸ آن، وزارت دادگستری علاوه بر تکلیف به ارتقای دانش عمومی حقوقی در راستای پیشگیری از خشونت نسبت به زنان، مکلف به تأسیس صندوق حمایت از بانوان خشونت دیده یا در معرض خشونت با هدف حمایت و جبران خسارت آنان گردیده است در مواردی نظیر: الف) پرداخت توافقی دیه در صورتی که زن به قتل رسیده و قاتل مرد است و اولیای دم زن مقتول جهت انجام قصاص، توانایی پرداخت توافقی دیه را ندارند؛ ب) تأمین هزینه‌های درمانی، آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شغلی در طول حبس برای زنان زندانی.

این لایحه به پیشگیری از بروز خشونت با ایجاد وظایفی برای دستگاه‌های اجرایی و مرتبط، توانمند سازی زنان در عرصه‌های مختلف و ارائه خدمات رایگان به زنان خشونت دیده تأکید دارد و در فصل چهارم نیز با عنوان جرایم و مجازات‌ها، ضمن تعیین حداکثری مجازات برای جرایمی که بزه دیده اش زنان هستند، به جرم انگاری جدید در پنج مبحث مبادرت می‌کند: ۱- جرایم علیه تمامیت جسمانی زنان از جمله رابطه جنسی زوج بیمار با وصف منجر به فوت یا انتقال بیماری به همسر؛ معاونت یا تسبیب در خودکشی یا خودآزاری زنان ۲- جرایم علیه حیثیت معنوی و روانی مثل ارسال پیام یا تصاویر نامتعارف و مستهجن از طریق سامانه‌های مخابراتی و فضای مجازی ۳- جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی مانند اکراه در جرایم حدی، پیشنهاد رابطه نامشروع ۴- جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده از جمله نشوز مرد، وعده ازدواج و پیشنهاد طلاق به زن شوهردار، معاونت در فرار زن از خانه، الزام به تمکین نامشروع، اخراج و ممانعت از ورود زن به خانه ۵- جرایم علیه حقوق و آزادی‌های مشروع زن مانند سوء استفاده مرد از حقوق ناشی از ولایت، قیومیت، وصایت و سرپرستی از طریق وادارکردن زنان به ازدواج یا طلاق بدون رضایت و حل و فصل اختلافات با ازدواج مبدله‌ای، ازدواج ناشی از خون بس.

این لایحه در صورت بروز خشونت، با بیان نحوه حمایت از زنان برای تظلم خواهی از مرحله طرح شکایت، تعقیب و تحقیق و دادرسی در شعبه تخصصی دادرسی و دادگاه تا مرحله اجرا و خاتمه آن و جلوگیری از بزه دیدگی ثانویه زنان، آیین دادرسی خاصی را مقرر کرده است و در مجموع در کنار جنبه پیشگیری و نقش حمایتی اش، با جرم انگاری و کیفرگذاری جدید یا تشدید مجازات در صدد رفع کمبودها، نقایص و خلاءهای قانونی تأمین امنیت زنان می‌باشد و به کارکرد حقوق کیفری برای تغییر و اصلاح جهات فرهنگی و حفظ کرامت و ترویج ارزش‌های انسانی توجه دارد. گرچه همین جرم انگاری و نوع مجازات مقرر، بعضاً موجب غفلت از مجازات‌های جایگزین حبس و جایگاه عدالت ترمیمی در حقوق کیفری خانواده شده که می‌تواند ایرادی بر سیاست جنایی موجود باشد.

ب- لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار»

این لایحه حاصل ادغام لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» و طرح «صیانت، کرامت و تأمین امنیت در برابر خشونت»، در کمیسیون اجتماعی مجلس می‌باشد که در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۲۰ این کمیسیون با اصلاحاتی در عنوان و متن، تصویب و تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و کلیات آن در روز بیستم فروردین ۱۴۰۲ بعد از ۱۲ سال مصوب و مجدداً برای بازبینی مفادش به کمیسیون اجتماعی ارجاع گردیده است. این لایحه از پنج فصل به ترتیب: مقررات عمومی، تدابیر حمایتی و پیشگیرانه، نظارت و پایش، جرایم و مجازات‌ها و آیین دادرسی در ۵۱ ماده تشکیل و کلیات آن تصویب شده است. اجمالاً، حمایت حقوقی از زنان فاقد شناسنامه، رسیدگی خارج از نوبت به جرایم آسیب و سوء رفتار علیه زنان توسط مراجع قضایی و انتظامی، الزام به پرداخت تمام هزینه درمان زنان آسیب‌دیده توسط شخص بزه‌کار، پیگیری و پایش زنان آسیب‌دیده از جمله مواردی است که در بخش پیشگیرانه و حمایتی این قانون پیش بینی شده است.

علیرغم تلاش‌های انجام گرفته در زمینه پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان در این لایحه، «مهمترین انتقادهای بنیادین وارد بر این لایحه را می‌توان نقش کم‌رنگ آموزش برای پیشگیری از خشونت علیه زنان، عدم اتخاذ رهیافتی چند جانبه برای پیشگیری از خشونت علیه زنان، چیرگی نگاه تقلیل‌گرایانه به خشونت علیه زنان و نبود نگاهی حق‌مدار در قبال انسانها و به طور خاص زنان در متن و روح لایحه دانست» (Moradi & Karami, 2023).

چالش‌ها و خلاءها

در خصوص مقابله با خشونت علیه زنان دو دیدگاه وجود دارد: ۱- گروهی توسل به قوانین کیفری در مقابله با خشونت را قبول ندارند و تأکید بر سازش، میانجی‌گری یا روش‌های درمانی و یا خدمات رفاهی داشته و استفاده از قوانین کیفری را تنها در شدیدترین موارد خشونت و به مثابه آخرین راه حل می‌دانند.

۲- گروهی دیگر، کیفر را در خصوص جرایم علیه زنان بخصوص خشونت خانگی صحیح می‌دانند: این دیدگاه درگیری خانوادگی را جرم تلقی کرده و خواهان برخورد با پدیده خشونت خانگی به شیوه مشابه برخورد با جرایم دیگر می‌باشند و مدعی‌اند با اعمال کیفر وقوع یا تکرار جرم در خانه کاهش می‌یابد.

برای زنان قربانی خشونت خانگی راه حل قانونی: طلاق، اقامه دعاوی حقوقی و توسل به قوانین عام کیفری وجود دارد. اما خشونت خانگی صرفاً یک مسئله حقوقی نیست بلکه مشکل اجتماعی نیز هست؛ مشکلی که نظام حقوقی به تنهایی قادر به حل آن نمی‌باشد. راه حل‌های حقوقی مختلفی که در کشورهای جهان برای مقابله با مشکل خشونت خانگی اتخاذ شده متفاوت است. زیرا مشکل خشونت پیچیده و چند جانبه است و راهکار آن نیز باید به همین ترتیب دارای جوانب مختلف باشد. امروزه تعداد کشورهایی که حمایت از روش دادرسی کیفری را برای مقابله با سوءرفتار در خانواده پذیرفته‌اند، رو به افزایش است؛ هر چند موجب دخالت وسیع عدالت کیفری در حریم خصوصی خانواده باشد.

دیدگاهی کلی نیز وجود دارد که معتقدند هرچند خشونت علیه زنان در انواع آن در همه جای دنیا و در ایران هم پدیده‌ای غیرقابل انکار است؛ اما بروز این پدیده در ایران قابل قبول نیست چراکه جایگاه انسانی زنان در منظومه فکری مسلمانان با مردان یکسان است و در مسائل اقتصادی، اجتماعی، قضایی، علمی و هنری نباید فرصت پیشرفت را از زنان سلب کرد و نباید اجازه داد زنان به دلیل ضعف‌های جسمی مورد آزار و اذیت قرار گیرند. از سوی دیگر، خشونت در ایران مختص زنان نیست و نمونه‌هایی از خشونت مردان علیه یکدیگر یا علیه کودکان نیز در جامعه رواج دارد ولی زنان به دلایلی از قبیل ضعف بدنی، پررنگ بودن قوه احساسات، معذوریت‌های اجتماعی، اقتضات جسمی و جنسی، تبعیض ناروا و نادیده‌انگاری بیشتر از مردان مورد خشونت یا سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

در قوانین ایران، هرچند حمایت‌های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست؛ زیرا هنوز هم می‌توان به راحتی از کنار زنی که توسط همسرش مورد اهانت یا کتک کاری قرار می‌گیرد، عبور کرد و مراجعه زن را به پلیس و قاضی قبیح دانست. علی‌رغم وجود خشونت‌های خانگی در ایران به ویژه در خانواده‌های سنت‌گرا، حمایت قانونی خاصی حتی در تعریف و بیان مصادیق خشونت خانگی یا حمایت کیفری در خصوص ازدواج‌های اجباری، خون‌بست، ناف بر و بعضاً ختنه زنان وجود ندارد و صرفاً مراجعه به قوانین عام کیفری امکان‌پذیر است.

در مورد جایگاه نهاد خانواده از یک طرف قانون اساسی به موضوع خانواده می‌پردازد و در اصل ۱۰ استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی را تجویز می‌کند و طبق بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی، قانونگذار را ملزم به ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده می‌نماید و سختگیری در وقوع طلاق را تجویز می‌کند. از طرف دیگر، قانونگذار ظرافتهای خشونت خانگی را نادیده می‌گیرد و به آن تنها در چهارچوب عناوین عام مجرمانه مانند ضرب و جرح، ترک انفاق، توهین، فحاشی، قذف می‌پردازد. درحالی که اولاً تنوع خشونت خانگی بیش از این است و برای مثال خشونت روانی به توهین و فحاشی خلاصه نمی‌شود یا تنها مصداق خشونت اقتصادی، ترک انفاق نیست و خشونت‌هایی که در سطح خرده فرهنگها مصداق دارد (خشونت‌های خاص محلی) مانند خون بس و ناقص سازی جنسی، توسط قانونگذار ممنوع نشده است؛ ثانیاً چون خشونت خانگی در حریم خانواده واقع می‌شود، اثبات آن از طریق ادله سنتی اثبات دعوا که مورد قبول نظام حقوقی و قضایی است، بسیار دشوار می‌نماید؛ ثالثاً سازوکار مداخله چه حین وقوع خشونت و چه پس از آن عمدتاً جنبه مشاوره‌ای و غیرمداخله‌ای دارد؛ رابعاً استثنایی بودن سازوکار اسکان، منجر به بازگردان قربانی به محل سکونت مرد متهم پس از ورود قربانی به فرایندهای قضایی می‌شود و این زمینه تداوم خشونت، منصرف شدن قربانی از التجا به مقامات رسمی و وقوع خشونت جدید را فراهم می‌سازد (Najafi, 2021).

لایحه «حمایت از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» با وصف تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری، تعریفی از خشونت خانگی ارائه نمی‌دهد و این حمایت مهم از زنان، در همین مبانی تقنینی مورد غفلت قرار می‌گیرد که مایل یا قادر نبودن جدی برای مقابله با این خشونت را نشان می‌دهد. حتی کلمه خشونت از عنوان این لایحه ادغامی، حذف می‌شود. البته قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ به طور کلی به پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و سیاستگذاری در این زمینه پرداخته اما اشاره‌ای به نحوه پیشگیری از این جرم نکرده است. بنابراین نخستین خلاء قانونی در حقوق کیفری ایران، عدم جرم‌انگاری خشونت خانگی مانند جرم «همسرآزاری» است و حمایت از زنان در قوانین پراکنده که در خصوص خشونت خانگی نیز قابل اجرا است صورت گرفته است. مانند مقررات ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی و البته در لایحه حمایت از آسیب‌دیدگی زنان به مواردی از خشونت خانگی اشاره دارد. ماده ۳۳ این لایحه بیان می‌کند: «هرگاه زوج، همسر خود را از محل زندگی مشترک بیرون کند یا به نحوی از ورود وی به منزل جلوگیری نماید به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ محکوم می‌گردد» که این عناوین مجرمانه تا تصویب نهایی این لایحه، با عنوان جرم ترک انفاق مورد حمایت کیفری است. ولی این مواد، توانایی مقابله مؤثر با خشونت خانگی را ندارند. هر چند صرف تصویب قانون مناسب برای مقابله با خشونت خانگی گامی مؤثر برای مقابله با آن و امری ضروری است ولی سیاست جنایی کشور باید با لحاظ شرایط نسل‌های آینده، آموزش صحیح به آنان را در تقبیح این خشونت‌ها به عنوان طبیعی مردانه در باورهای مردسالارانه حاکم بر جامعه و جلب مشارکت‌های مدنی، مدنظر داشته و پاسخ مناسبی برای انحراف و بزه در این حوزه ارائه دهد.

حمایت از بزه دیدگان بالقوه و در معرض خطر و نیز بزه دیدگان خشونت، با اقدامات سازمان یافته و هماهنگ توسط جامعه مدنی و دولت قابل دستیابی است و سازمانهای مردم نهاد و غیردولتی، خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی در بالا بردن سطح آگاهی زنان درخود باوری، مراقبت ازخود و تغییر شیوه زندگی خطرناک برخی از آنان و همچنین آموزش مفاهیم حقوق بشری و کرامت انسانی برای عموم افراد، نقش مهمی در پیشگیری یا کاهش خشونت بر زنان خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های جرم‌شناختی و بزه دیده‌شناختی، زنان جزو گروه‌های حساس و آسیب‌پذیر جامعه هستند و بنا به ویژگی‌های جسمانی و روانی و برخی عوامل بیرونی مانند عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر از سایرین در معرض انواع و اشکال خشونت می‌باشند. بنابراین قوانینی منسجم، روشن و کارآمد لازم و ضروری است و با وجود قوانین پراکنده و بدون انسجام، مجمل، فاقد ضمانت اجرایی مؤثر و قوانین منسوخ نه تنها کمکی در جهت کاهش انواع خشونت علیه زنان نمی‌شود، چه بسا باعث گسترش و ترویج روزافزون انواع خشونت علیه زنان نیز می‌گردد.

سیاست کیفری ایران در خصوص خشونت خانگی و بعضاً خشونت در محیط کار علیه زنان که بیشتر نیز ریشه در فرهنگ دارد، با نوعی مماشات همراه است به نحوی که بازدارندگی لازم به منظور پیشگیری از جرایم مربوط به خشونت خانگی و از جمله قتل نفس زنان و تبعیض جنسی و جسمی وجود ندارد. در انواع دیگر خشونت نیز حمایت کیفری که موجب تأمین امنیت و حفظ کرامت زنان شود صرفنظر از عدم آگاهی عمومی به وجود مقررات پراکنده، ملموس و محسوس نیست. لذا قوانین باید چنان شفاف و روان باشد که ضمن فراهم آوردن شرایط دادرسی فوری، تعقیب و تحقیق و رسیدگی در موارد خشونت علیه زنان نه تنها منوط به شکایت شاکی خصوصی نشود، بلکه عدم اعلام این جرایم از سوی برخی مطلعین مانند اولیاء مدارس نیز جرم تلقی گردد. همچنین خلاءهای قانونی برای حمایت از زنان برطرف و قانون‌گذار با تصویب قوانین بازدارنده در کنار اصلاح ساختارهای فرهنگی و لحاظ خرده فرهنگ‌های موجود در جامعه و بعضاً تأمل با آنها، موجبات رفع یا کاهش جرایم مبتنی بر خشونت را فراهم آورد. این انتظار و کارکرد قرار است در پرتو لایحه «حمایت از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» با وصف تصویب کلیات آن، محقق گردد.

آینده مشخص می‌کند آیا این لایحه که نمودی از سیاست جنایی ایران با توجه به ویژگی اقتدارگرا به دلایل امنیتی، اجتماعی و فرهنگی بوده و به نظر در مواجهه با فشارهای درونی و بیرونی و در پی گفتمان مردسالاری و به نحوی توجیهی که حتی کلمه خشونت از عنوان آن حذف می‌گردد، می‌تواند نقش و کارکرد و اهداف مدنظر این لایحه را تحقق بخشد؛ زنان کشور را زیر چتر حمایتی و کیفری خود با رفع یا کاهش انواع رو به رشد خشونت بگیرد و با گفتمان انسانی، کرامت و امنیت همه جانبه زنان را تأمین کند؟ از طرفی با عنایت به اینکه ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان سازمان ملل ملحق نشده و حسب گزارش سالیانه دبیر کل ملل متحد ناقض «حقوق بشر بویژه در مورد حقوق زنان» شناخته می‌شود و مرتب کمیساریای عالی ملل متحد نماینده جهت بررسی مسأله حقوق زنان در ایران اعزام می‌دارد، آیا این لایحه با تصویب نهایی و اجرایی شدن می‌تواند این اتهام را از چهره جامعه ایران اسلامی بزدايد و الگوئی قابل ارائه برای سیاست جنایی کشورهای مسلمان نیز باشد؟

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Violence against women, as defined by the United Nations (1993), encompasses any act of gender-based violence that results in harm or suffering to women, including threats, coercion, or arbitrary deprivation of liberty, occurring in public or private life. Despite international conventions such as the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW, 1979) and regional frameworks like the Istanbul Convention (2011), implementation gaps and sociocultural constraints remain significant. Within the Iranian context, legal responses to violence against women are shaped by cultural and religious norms. Domestic violence, forced marriages, and honor killings exemplify forms of abuse inadequately addressed by existing laws. The absence of comprehensive legal frameworks in Iran, such as those found in many European countries, underscores the need for reform. Research highlights that punitive measures alone cannot address the root causes of violence, emphasizing the necessity of cultural transformation and robust enforcement mechanisms (Khosravi et al., 2022; Najafi Kashkoli, 2021).

Iranian women experience violence in multiple forms—physical, psychological, sexual, and economic. Physical violence often includes spousal abuse, honor-related crimes, and even femicide. While Article 567 of the Iranian Penal Code criminalizes assault without visible injuries, these provisions are insufficient in addressing non-physical abuse, such as psychological violence (Najafi Kashkoli, 2021). Sexual violence, including marital rape, remains inadequately defined in Iranian legal texts. Najafi Kashkoli (2021) argues that the existing framework is insufficient to address coercive sexual relations within marriages, largely due to sociocultural taboos (Najafi Kashkoli, 2021). Additionally, economic violence, often manifesting in restricted access to resources or employment, reflects patriarchal structures embedded within family law. For example, Article 1117 of the Iranian Civil Code allows husbands to prevent their wives from working if deemed contrary to family interests (Vatani et al., 2023).

Cultural criminology highlights that violence against women in Iran is influenced by local norms and traditions. Practices such as "blood money" settlements (khun bas), honor killings, and female genital mutilation are deeply rooted in patriarchal customs. Raeijian Asli et al. (2023) emphasize that such practices, while not explicitly condoned by law, are inadequately criminalized due to societal acceptance. The failure to incorporate culturally sensitive legal measures has perpetuated these practices. Moradi and Karami (2023) critique legislative efforts such as the "Prevention of Harm to Women and Enhancement of Their Security Against Abuse" bill, arguing that it lacks a multidimensional approach to violence prevention (Moradi & Karami, 2023). They further highlight the bill's insufficient focus on education and awareness-raising, which are critical to altering cultural perceptions.

Globally, countries have adopted various strategies to combat violence against women, ranging from punitive measures to restorative justice approaches. For instance, the Istanbul Convention provides comprehensive guidelines for prevention, protection, and prosecution. In contrast, Iran has not ratified CEDAW and remains under scrutiny for its treatment of women's rights (Ranjbaran & Dabirzadeh, 2011). However, domestic efforts, including the "Bill to Protect Dignity and Support Women Against Violence" (2021), aim to address legal deficiencies. This bill proposes specialized courts, protective measures, and enhanced penalties for gender-based violence. Nonetheless, critiques by scholars such as Mahmoudi and Majidi (2022) highlight its limited scope, especially in addressing structural inequalities that perpetuate violence (Mahmoudi & Majidi, 2022).

Implementation of anti-violence laws in Iran faces numerous challenges. Vahed et al. (2020) argue that systemic patriarchal attitudes within the judiciary and law enforcement undermine women's access to justice (Vahed et al., 2020). The reliance on traditional evidence standards, such as

eyewitness testimony, makes it difficult for victims of domestic violence to substantiate their claims. Additionally, the absence of a clear definition for domestic violence in Iranian law creates ambiguities in enforcement. Khosravi et al. (2022) stress the need for specialized training for judges and law enforcement personnel to address biases and improve case handling (Khosravi et al., 2022). Furthermore, societal stigma discourages women from reporting abuse, exacerbating the issue. To address the multifaceted nature of violence against women, Iran requires an integrated approach combining legal reforms, cultural education, and institutional capacity building. Comprehensive legislation, like the Istanbul Convention, could serve as a model, emphasizing prevention, protection, and prosecution. Additionally, initiatives to enhance women's economic empowerment and public awareness campaigns are essential to shifting societal attitudes. The "Prevention of Harm to Women and Enhancement of Their Security Against Abuse" bill represents a step forward, but its success hinges on robust implementation and enforcement mechanisms (Moradi & Karami, 2023). Ultimately, bridging the gap between legislative intent and practical enforcement requires addressing systemic biases and promoting a human rights-based approach to gender equality.

References

- Abolhasani, A., & Bahemeh-i, A. (2022). Violence Against Women and Strategies for Its Prevention. *Civilizational Legal Quarterly*, 5(11).
- Dehkoda, A. A. (1998). *Dehkoda Dictionary*. Tehran University Press.
- Khosravi, A., Bassami, M., & Ghasemi, M. (2022). Legislative Criminal Policies on Preventing Violence Against Women in Iranian Law and International Documents. *Iranian Political Sociology Scientific Monthly*, 5(8).
- Mahmoudi, A. R., & Majidi, H. (2022). Control, Prevention, and Combating Violence Against Women in Iranian Laws. *Women and Family Studies Quarterly*, 15(56).
- Mazhari, M. (2019). A Legal Examination of the Protection of Female Workers Against Workplace Violence. *Women's Research Journal*, 10(3).
- Moradi, P., & Karami, M. (2023). Life, Women, and Nothing Else: A Critical Evaluation of the Bill on Preventing Harm to Women and Enhancing Their Security Against Misconduct.
- Najafi Kashkoli, S. (2021). A Legal Analysis of Violence Against Women Concerning International Human Rights. *New Approaches in Islamic Studies Quarterly*, 3(6).
- Ostad Hashem, F. (2022). Iranian Criminal Policy Regarding Domestic Violence Against Women with an Emphasis on Homicide. *Comparative Criminal Jurisprudence Quarterly*, 2(2).
- Raeijian Asli, M., Rahimi Nejad, E., & Razmavar Bonab, R. (2023). Legislative Criminal Policy Through the Lens of Cultural Criminology: A Critical Approach to Some of Its Challenges in Iran. *Criminal Law and Criminology Research*, 11(21).
- Rahmati Far, S. (2022). Legal Protection for Women Against Domestic Violence. *Human Rights Biannual*, 17(1).
- Ranjbaran, G., & Dabirzadeh, E. (2011). *Violence Against Women in Iranian Criminal Law and International Documents*. Nashr Farhangshenasi.
- Sheikh Bahai, J. a.-D. M., Bahrami Nejad, A., & Bahrami Khoshkar, M. (2021). Analysis of Jurisprudential and Legal Foundations of Criminalizing Violence Against Women. *Medical Law Journal*(Special Issue on Legal Innovations).
- Vahed, F., Moazzami, S., Bashirieh, T., & Sheikh Eslami, A. (2020). Criminal Law Through the Lens of Postmodern Feminist Criminology. *Legal Research Journal*(92).
- Vatani, A., Mohseni, F., & Ghamami, Z. S. (2023). A Study of Similarities and Differences in Strategies to Combat Economic Violence Against Women in Islam and International Documents. *Islamic Human Rights Studies Quarterly*, 12(1).